

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال چهاردهم ♦ شماره ۵۳ ♦ بهار ۱۴۰۳  
صفحات: ۷۵-۹۰ ♦ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹



## نقدی بر تفسیر وهابیت از تعبیر قرآنی «من دون الله»

مهدی زندی\*

حسن حسینی\*\*

### چکیده

تعبیر «من دون الله» از تعابیر پر تکرار قرآن در تبیین ملاک توحید و شرک است. اصرار قرآن بر کاربرد این تعبیر نشان از معیار بودن این کلمه برای بازشناسی توحید و شرک است. چیستی و جایگاه تعبیر «من دون الله» در تبیین توحید و شرک، موضوعی است که کمتر به آن پرداخته شده است. دقت در آیات قرآن با محوریت تعبیر «من دون الله» بیانگر آن است که تبیین وهابیت از این اصطلاح باطل است و ترجمه آن به مطلق غیرالله منجر به بروز پیامدهای شومی، همچون تکذیب برخی آیات خواهد شد. بر همین اساس، بهترین واژه برای تبیین این تعبیر و اصطلاح قرآنی به جای خداوند و در مقابل و برابر خداوند متعال مناسب‌تر است.

**کلیدواژه‌ها:** من دون الله، به جای خداوند، توحید، شرک، وهابیت.

---

\* سطح چهار شیعہ‌شناسی. فارغ‌التحصیل مؤسسه سراج منیر توحید (نویسنده مسئول)

mm.zandiy@gmail.com

\*\* فارغ‌التحصیل مؤسسه سراج منیر توحید

ansar.14313@gmail.com

## مقدمه

در زبان عربی مانند هر زبانی «تعايير مرکب از چند واژه» نقش ویژه‌ای در انتقال مفاهیم دارند، از این رو باید برای ترجمه دقیق و فهم صحیح این تعابیر تلاش کرد، افزون بر این اگر این تعابیر به تعبیری رایج در قرآن مبدل شده باشد، حساسیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. از آن موارد، تعابیر مرکب «من دون الله یا «من دونه» است که یکی از پرکاربردترین عبارات قرآنی می‌باشد که تعبیر اولی بیش از ۷۰ بار و تعبیر دومی نیز قریب به ۴۰ بار در قرآن به کار رفته است.<sup>۱</sup> مورد استفاده آن نیز بیش‌تر در مورد توحید و شرک بوده است. در عمده آیات مشتمل بر این اصطلاح، می‌توان نقش معیارگونه آن در جدا شدن عمل مشرکانه از موحدانه را دید. بر این اساس، در منطق قرآن، هر فعلی که متّصف به صفت «من دون الله» باشد، عملی شرک‌آلود است. خطا در ترجمه و فهم آن در فهم مرز توحید و شرک تأثیر به‌سزایی دارد.

با دقت در موارد استفاده از این کلمه بین مترجمان و مفسران، به معانی متفاوتی می‌رسیم؛ برخی مترجمان آن را مطابق و مساوی با معنای «من غیر الله» می‌دانند. در مقابل، برخی در این تعبیر ظرافت‌های معنایی خاصی را در نظر می‌گیرند. نفی شریک هم‌عرض و کم‌تر یا همان «دون» ظرافتی نهفته در دل این تعبیر است.<sup>۲</sup> آیات قرآنی نیز از تفاوت و عدم انطباق کامل معنایی این دو تعبیر خبر می‌دهند.

برخلاف آنچه از ظاهر این دو تعبیر فهمیده شده، هیچ‌کدام معنایی کاملاً مساوی با «غیرالله» ندارند؛ انحراف و هابیت دقیقاً در همین جاست که با ترجمه به مطلق معنای غیرالله معیار جدیدی را در تبیین توحید و شرک ارائه کرد. این نگرش انحرافی و هابیت از «من دون الله» موجب شد که بسیاری از آیات را در مقابل فهم وجدانی مسلمانان قرار دهد. این نکته وقتی جدی می‌شود که ما اصرار قرآن در استفاده از «من دون الله» را شاهدیم. بنابر مبنای تفسیری و هابیت آیاتی که اتخاذ ولی یا شفیع من دون الله را جایز

۱. گرمارودی، محمد اسد، نقد تفسیر وهابيون در تفسیر آیات «من دون الله»، ص ۳۸.

۲. ر.ک: فولادوند، مهدی، ترجمه قرآن، آیات دارای کلمه «من دون الله».

ندانسته و رد نموده، بر بسیاری از مسلمانان قابل انطباق است؛ چراکه بسیاری از مسلمانان، رسول الله ﷺ را که مصداق غیرالله است، شفیع یا ولی می‌دانند.<sup>۱</sup>

درباره معنای «من دون الله» چندین مقاله تدوین شده است. محمداسد گرمارودی، مقاله «نقد تفسیر وهابیان در تفسیر آیات من دون الله» را در این زمینه تدوین کرده است. رضا رهنما و محمد پارچه‌باف دولتی، با مقاله «بررسی معنای عبارت من دون الله و نقد ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم» مقاله دیگری در این زمینه نوشته‌اند که بررسی دقیقی از معنای «من دون الله» ارائه داده‌اند. بهاء‌الدین خرمشاهی در «ترجمه قرآن» نیز به ظرافت‌های معنایی «من دون الله» دقت زیادی داشته و مهدی فولادوند نیز این موضوع را مورد تأمل قرار داده است.<sup>۲</sup>

رویکرد مقاله حاضر با نگاهی انتقادی به وهابیت نگاشته شده و تلاش دارد انحراف وهابیان در معناکردن و استفاده نامناسب از آن برای معیار توحید و شرک، تبیین شود.

### معنای لغوی تعبیر «من دون الله»

برای تشخیص و تبیین معنای «من دون الله» باید معنای لغوی و اصطلاحی و فهم معنایی آن در ادبیات عرب بررسی شود. ابن هشام انصاری (۷۶۱ق) برای حرف «من» ۱۵ معنا ذکر کرده، معنای اصلی آن را ابتدای غایت دانسته است.<sup>۳</sup> کلمه «دون» نیز دارای معانی مختلفی است. واژه‌ای عربی که در لغت تقیض «فوق» و نقش آن، ظرف است.<sup>۴</sup> گفته شده «دون» در مواردی مانند «الیهین من دون الله»، به معنای «غیر» می‌باشد.<sup>۵</sup> علمای ادبیات عرب افزوده‌اند که اگر «دون» به معنای «غیر» باشد، ظرفی است که حرف جازه «من» بر آن داخل می‌شود.<sup>۶</sup> آن‌ها تأکید می‌کنند با توجه به این که «دون»

۱. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۱، صص ۳۱۳-۳۱۴.

۲. ر.ک: فولادوند، مهدی، ترجمه قرآن.

۳. ابن هشام انصاری، جمال‌الدین، مغنی اللیب عن کتب الاعراب، ج ۱۳، ص ۱۶۴.

۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح تاج اللغة، ج ۵، ص ۲۱۱۵.

۵. الدقر، عبدالعلی بن علی، معجم القواعد العربیة، ص ۲۵۱.

۶. قوجوی، محمد بن مصطفی، شرح قواعد الإعراب لابن هشام، ص ۸۰.

ظرفِ دائم الاضافه است، برای بازشناسی معنای دقیق آن باید مضاف الیه و متعلق را - که عبارت است از فعل یا شبه فعل که معنای آن را کامل می‌کند - دقیق بدانیم.<sup>۱</sup> این منظور (۷۱۱ق) نیز دون را ظرف دانسته، معنایش را تقيض «فوق» می‌نویسد و با استناد به گفتار بعضی از علمای نحو و ادب عرب، برای «دون» چندین معنا می‌آورد. برخی از معانی که اشاره کرده، عبارت‌اند از: قبل، جا (به‌جای)، زیر، جدا شده از دیگران و غیر.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از معانی دون «غیر» می‌باشد که خود غیر در عربی کلمه مبهمی است که معمولاً با تمییز، از ابهام خارج می‌شود و حتی اضافه شدن نیز آن را معرفی نمی‌کند. «... البته واژه غیر با اضافه از ابهام خارج نمی‌گردد چرا که با وجود اضافه، ابهامش افزایش پیدا می‌کند»؛<sup>۳</sup> اما با کلمه غیر منطبق نیست. یکی از تفاوت‌های لغوی «دون» و «غیر» این است که دون حتماً با کم‌تر بودن و تحقیر همراه است؛ یعنی غیری که کم‌تر و پست‌تر است را با «دون» در نظر می‌گیرند. مثلاً در آیه «أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ»<sup>۴</sup> این معنا را به‌خوبی نشان می‌دهد که آن‌ها تو را از کسی فرومایه‌تر از الله می‌ترسانند. با دقت در ترجمه‌ها و قرائن معنایی، می‌توان «دون» را «مغایرت به همراه پایین بودن در رتبه» ترجمه کرد.<sup>۵</sup> براساس این دو لفظ، می‌توان ترجمه لفظی آن را: از قبل، از پایین‌تر، از غیر و... دانست.

### معنای اصطلاحی «من دون الله»

تعبیر «من دون الله» در عرف قرآن - که به زبان قوم بیان شده است - باید معنایی معلوم و روشن داشته باشد؛ یعنی مشرکین و مؤمنین و هرکس در جامعه عصر نزول این تعبیر را می‌دید، ارتکازاً از آن به مفهوم مشخصی منتقل می‌شده است. قرینه بر این نکته، تکرار

۱. ر.ک: ابن هشام انصاری، جمال‌الدین، مغنی اللیب، ج ۲، ص ۴۹۹.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۶۴؛ ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، ج ۱۳، ص ۱۳۷.

۳. ابن هشام انصاری، جمال‌الدین، مغنی اللیب، ص ۲۱۱.

۴. سوره زمر، آیه ۳۶.

۵. رهنما، رضا و پارچه‌باف، محمد، «بررسی معنای عبارت «من دون الله» و نقد ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم»، مطالعات

ترجمه قرآن و حدیث، ش ۱۰، ص ۱۰۵.

وسیع این معناست. برای رسیدن به این معنی باید نظر مترجمان و مفسران (موافقان و مخالفان) آن‌ها را بررسی کنیم.

بین مترجمان فارسی‌زبان تفاوت دو ترجمه دیده می‌شود؛ ترجمه «من دون الله» توسط برخی «به جز خدا» تعبیر شده است و برخی دیگر «در برابر خداوند»<sup>۱</sup> یا «به جای خدا»<sup>۲</sup> ترجمه کرده‌اند و بر این معنی اصرار دارند. دسته دوم ظاهراً در ترجمه‌های قرآن مشکلاتی دیده‌اند که نیاز بوده در ترجمه خود از استعمال «به جز» و «غیر» تعدی کنند؛ امری که در مقایسه آیات، شواهد و قرائن بیرونی به خوبی فهمیده می‌شود.

### نظر وهابیت درباره ترجمه «من دون الله»

از نصوص و متون اصلی وهابیت فهمیده می‌شود که «من دون الله» به معنای «غیر الله» دانسته شده است. با توجه به استقراء مورد اشاره درباره استفاده «غیر» به جای «من دون» در ترجمه و تفسیر آیات، وهابیت این دو را یکی می‌دانند؛ یعنی در جایی که «من دون الله» به کار رفته است، آن را «غیر الله» معنا کرده‌اند. اما باید دانست که این ترجمه به همراه تلقی وهابیت از توحید (نفی غیرخدا مطلقاً در عبادت و غیرعبادت) باعث ایجاد نظام تبیینی آنان از توحید و شرک شده، نتایج ضد باورهای اسلامی به بار آورده است. مانند تلقی وهابیت از توحید و شرک، مبتنی بر نفی غیر به صورت مطلق، از ارکان عقاید وهابیت است. آل سعدی می‌گوید: «امت اجماع دارد که هر کسی غیر از الله را بخواند، مشرک است؛ چه آن غیر را واسطه بداند، چه مستقل».<sup>۳</sup>

وهابیان بین این که مدعو را مستقل بدانند یا نه، هیچ تفاوتی قائل نیستند.<sup>۴</sup> همین امر موجب تناقضی نامطلوب در فهم دین می‌شود. به طوری که به نفی حب رسول الله ﷺ، توسل، استشفاع و امور مآذون دیگر منجر می‌شود. این شرکانگاری با «غیر الله» بودن

۱. خرمشاهی، بهاء‌الدین، ترجمه قرآن، ذیل آیات با تعبیر «من دون الله».

۲. فولادوند، مهدی، ترجمه قرآن، ذیل آیات با تعبیر «من دون الله».

۳. «وأجمعت علیه الأمة من أن من دعا غیر الله فهو مشرک کافر فی الحالین المذكورین سواء اعتقدهم مستقلین أو متوسطین ....» (آل سعدی، عبدالرحمن، القول السدید شرح کتاب التوحید، ص ۹۶).

۴. علماء نجد، الدرر السنیة فی الأجوبة التجدیة، ج ۱۲، ص ۲۰۵.

ترجمه آیه به کمال می‌رسد، در حالی که مواردی از «غیر الله» را به دستور الهی می‌توان مورد محبت و علاقه دانست و حتی انتظار ثواب برای آن کار داشت. مانند آیه شریفه: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» که به صورت ضمنی، محبت اهل بیت (مصادیق غیر الله) را واجب دانسته است، پس «من دون الله» صرفاً «غیر الله» نیست.<sup>۱</sup>

«بن عثیمین» یکسان‌انگاری بین دو معنای «من دون الله» و «غیرالله» را بیان کرده، می‌گوید: «توسل‌کنندگان کسانی را می‌خوانند که آن‌ها را وسیله تصور می‌کنند؛ اما ما این را وسیله نمی‌دانیم؛ بلکه شرک می‌دانیم؛ چراکه دعا غیر الله شرک در دین است و نادانی در عقل. شرک است؛ زیرا شریک برای خداوند انتخاب کرده و سفاقت در عقل است؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ».<sup>۲</sup> استشهاد بن عثیمین در اثبات دعای غیر الله به «من دون الله» نشان می‌دهد که وی به صراحت منظور از «من دون الله» را «غیر الله» دانسته است.

در تفاسیر و هابیت نیز همین معنا دیده می‌شود. آل سعدی در ذیل آیه: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعُنكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا»<sup>۳</sup> می‌گوید: «هذا مثلُ ضَرْبِهِ اللهُ لَمَنْ عَبدَ مَعَهُ غَيْرَهُ، يَقْصِدُ بِهِ التَّعَزُّزَ وَالتَّقْوَى وَالتَّنَفُّعَ...»<sup>۴</sup> که دقیقاً «من دون الله» را «غیر الله» به معنای «مع الله» معنا کرده است و در ظرافت‌های معنایی «من دون الله» هیچ تأملی ندارد.

«صالح بن عبدالعزیز آل الشیخ» از بزرگان جریان نجدی نیز در ذیل بحثی درباره نفی مفهوم وحدت وجود، به این یکسان‌انگاری توجه کرده، می‌گوید: «﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾<sup>۵</sup> قضا به معنای امر کرد، توصیه کرد... چراکه خداوند در قرآن اثبات کرده

۱. بن عثیمین، محمد بن صالح، فتاویٰ أركان الإسلام، ص ۲۴۵.

۲. بن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاویٰ و رسائل، ج ۵، ص ۲۸۸.

۳. سورة عنكبوت، آیه ۴۱.

۴. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ج ۱، ص ۶۳۹.

۵. سورة اِسْرَاء، آیه ۲۳.

است که ایشان غیر خداوند را عبادت می‌کنند: «وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ»<sup>۱</sup> خداوند خود بیان کرده است که مشرکان غیر خداوند را عبادت می‌کردند و غیریت در این موضع واضح است.<sup>۲</sup> «این عالم و نویسنده و هابی تصریح کرده است که از معنای «من دون الله» غیریت را فهمیده و این غیرت نیز امری واضح و قابل فهم است.

بن‌عثیمین در تفسیر آیه: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»<sup>۳</sup> می‌گوید: «معنای آیه این است که هیچ معبود حقی غیر از الله نیست و این تعبیر در حقیقت هر معبودی من دون الله؛ یعنی غیر از الله را نفی می‌کند.»<sup>۴</sup> به روشنی پیداست که او از «من دون الله» مفهوم «غیر الله» یا «الا الله» را اراده کرده است.

به عبارتی، منظومه فکری وهابیت به این توجیه نیاز دارد تا مبنای توحیدی وهابیت دچار اشکال نشود. این در حالی است که با دقت در معنای «من دون الله» و تبیین معیار توحید از شرک براساس این کلمه می‌توان از نوع اشکالات وهابیت پاسخ داد و راه‌حلی برای رفع آن باشد.

### تحقیقی در معنای «من دون الله»

با نگاه دقیق در نصوص قرآنی، یکسان‌انگاری «من دون الله» با «غیر الله» مورد خدشه قرار می‌گیرد و با این تفسیر، هر غیر الهی باید مصداق شرک باشد، پس محبت به اهل بیت علیهم‌السلام که طبق آیات فوق امری لازم برای هر مسلمانی است، ذیل مفهوم شرک قرار می‌گیرد و حب رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که نمونه‌ی علاقه به غیر الله است،<sup>۵</sup> شرک دانسته شده و هر قدر علاقه به حضرت بیشتر باشد، شرک بیش‌تری مرتکب شده‌ایم. در صورتی که خود وهابیت نیز نمی‌تواند ملتزم به این معنا باشد. به عبارتی، یا لازمه آن ترجمه باید تغییر کند و

۱. سوره فرقان، آیه ۱۷؛ سوره مریم، آیه ۴۹.

۲. آل‌الشیخ، صالح، العقیده، ج ۶، ص ۲۵۵.

۳. سوره آل‌عمران، آیه ۱۸.

۴. بن‌عثیمین، محمد، شرح ثلاثة الأصول، ج ۱، ص ۱۰۷.

۵. سوره بقره، آیه ۱۶۵.

یا چنین ترجمه‌ای باید اصلاح شود؛ چراکه امری نامقبول است. یا این که معتقد به وحدت وجودی الله و رسول الله ﷺ بشویم که امری واضح البطلان است، پس معنای «من دون الله» نمی‌تواند به «غیر الله» باشد؛ اما اگر آن را «به‌جای الله» یا «در برابر الله» ترجمه کنیم، این لازمه نامناسب را نخواهد داشت.

شاید گفته شود: با وجود تتمه آیه: «يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ» وهایی می‌تواند از معنای «غیر الله» دفاع کند؛ یعنی «کحبّ الله» نافی حبّ دیگران نیست؛ ولی نباید مانند حبّ الله باشد. این دقیقاً تلاش ما در تفسیر معنای «من دون الله» است؛ زیرا غیری که هم‌رتبه خدا در محبت باشد؛ یعنی غیری که «به جای خدا» قرار داده شود. شاهد آن این است که «کحبّ الله» به نوعی مفسّر معنایی «من دون الله» است، پس اگر آیه را این‌گونه ترجمه کنیم: «... به جای خدا کسانی را همانند او قرار داده‌اند که آن‌ها را دوست دارند، مانند دوست داشتن خداوند» تعبیر «من دون الله» بهتر و مناسب‌تر فهمیده می‌شود.

ابن تیمیه نیز این موضوع را از زاویه تفسیر و ترجمه «غیر» به صورت ضمنی، در توضیح توحید محبت، ذیل همین آیه بررسی کرده است و می‌گوید: «الْفَرْقُ ثَابِتٌ بَيْنَ الْحُبِّ لِلَّهِ وَالْحُبِّ مَعَ اللَّهِ فَأَهْلُ التَّوْحِيدِ وَالْإِخْلَاصِ يُحِبُّونَ غَيْرَ اللَّهِ لِلَّهِ وَالْمُشْرِكُونَ يُحِبُّونَ غَيْرَ اللَّهِ مَعَ اللَّهِ كَحُبِّ الْمُشْرِكِينَ لِأَلِهَتِهِمْ وَحُبِّ النَّصَارَى لِلْمَسِيحِ وَحُبِّ أَهْلِ الْأَهْوَاءِ زُؤُسِهِمْ»<sup>۱</sup> فرق بین محبت برای خداوند با محبت با خداوند مشخص است. اهل توحید غیر الله را برای خدا دوست دارند، در حالی که مشرکین غیر الله را در کنار خداوند و همراه با وی دوست دارند».

وی هم‌چنین می‌گوید: «واجب است تفاوت گذاشتن بین حبّ در عرض خداوند و حبّ برای خداوند؛ چراکه اولی شرک است و دومی توحید و ایمان».<sup>۲</sup> بنا بر این دو تعبیر، ابن تیمیه در توحید محبت، بین مطلق غیر الله فرق گذاشته و آن را به «الله؛ برای خدا» و «لغیر الله؛ برای غیر خدا» تقسیم کرده، مورد اول غیری است که محبت او عین توحید

۱. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۱۰، ص ۴۶۵.

۲. ابن تیمیه، احمد، درء تعارض العقل والنقل، ج ۹، ص ۳۷۵.

است و دومی، غیر از توحید و مصداق شرک می‌باشد. بنابراین، در مفهوم «من دون الله» در قرآن، این نکته نهفته است که در بسیاری موارد «غیر الله» می‌تواند متعلق اراده، حب یا استعانت باشد؛ ولی این غیر نباید در عرض یا در مقام الله باشد و این همان معیاری است که از «من دون الله» فهمیده می‌شود.

هر مؤمنی طبق آیه ولایت، پیامبر خدا ﷺ را ولی خود می‌داند،<sup>۱</sup> پس رسول الله ﷺ من دون الله نیست. در حالی که با ترجمه ارائه شده از سوی وهابیان که به مطلق غیر الله است، باید ایشان را غیر الله دانست. حال در صورت این ترجمه، چگونه آن آیه را با آیه «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ يَتِيمًا» جمع کنیم؟ ممکن است کسی مدعی شود وهابیت این موارد را تخصیص یک حکم کلی می‌دانند. در پاسخ به این ادعا باید دو جواب داد: یکی این که تخصیص عام یا تقييد مطلق، در امور حقیقی است که امکان تخصیص داشته باشد؛ اما شرک به دلیل ماهیت ظالمانه و فاسدگونه خود، هرگز متعلق دستور خداوند قرار نمی‌گیرد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ».<sup>۲</sup> ثانیاً خود وهابیت محبت اولیای الهی را خروج از عام نمی‌داند.

پس طبق آیه ولایت<sup>۳</sup> جایی که الله تعالی در توصیف مشرکین می‌فرماید: «الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ...»<sup>۴</sup> ما آن را به این صورت معنی کنیم که مشرکین غیر الله را ولی اتخاذ می‌کردند، نتیجه این می‌شود که معیار در شرک، ولی غیر الله است، در صورتی که مؤمنین رسول الله ﷺ را به عنوان ولی اتخاذ می‌کردند که در تعابیر دینی به آن توصیه شده است. مانند آیه ولایت. در حالی که رسول الله ﷺ بالوجدان غیر الله و عبدالله و مأذون من الله است. آیا هیچ کسی اهل بیت پیامبر ﷺ و صحابه را به دلیل این که رسول الله ﷺ را ولی می‌دانستند، مشرک دانسته است؟! با این آیه نیز می‌توان به روشنی نشان داد که معنای «من دون الله» با «غیر الله» تفاوت دارد؛ اما اگر «من دون الله» را «به

۱. سوره مائده، آیه ۵۵.

۲. سوره اعراف، آیه ۲۹.

۳. سوره مائده، آیه ۵۵.

۴. سوره شوری، آیه ۶.

جای الله» یا «در برابر الله» ترجمه کنیم، این لازمه نامناسب را نخواهد داشت. هم‌چنین طبق آیه: ﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِتَضَرُّهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup> با توجه به آیاتی که نصرت از «من دون الله» را نفی می‌کند، نصرت از غیرالله محسوب می‌شود. همان استدلال و خدشه بر ترجمه «من دون الله» وارد می‌شود. بر این اساس، در عرف قرآنی و ذهن مخاطب نزول، بین معنای «من دون الله» و «غیر الله» فرقی وجدانی است. اساساً این فرق می‌تواند معنای جدیدی و در نتیجه معیار صحیحی فراهم آورد.

با توجه به آنچه گفته شد، اصل تفاوت بین این دو کلمه اجمالاً ثابت است؛ ولی برای فهم نوع این تفاوت و حل ابهام آن باید موارد «من دون الله» را با موارد استعمال «غیر الله» مقایسه کنیم تا ببینیم آیا افتراقاتی دارند یا همان معنی را افاده می‌کنند؟ با این مقایسه، در موارد مختلف می‌توان برای آن معنای متقنی پیدا کرد. بنابراین، لازم است ترجمه «من دون الله» را با مواردی مانند «به جای الله» یا «در برابر الله» تغییر داد؛ زیرا قرآن گاهی امری را از طرف خود الله و ربّ می‌داند و از آن به «من عندالله» تعبیر می‌کند و گاهی در مقابل آن می‌داند که از تعبیر «من دون الله» استفاده می‌کند و دو جهت را شامل می‌شود: هم خدا نیست (غیرالله) و هم از طرف خدا نیست، مانند طاغوت. برخلاف مثلاً رسول الله ﷺ که غیر الله است؛ اما از طرف خدا برای ولایت اذن دارد.

### شواهدی در مخالفت با وهابیت

بیان شد که ترجمه «من دون الله» به «غیر الله» در برداشت اشتباه از توحید، نقش دارد. بسیاری از بزرگان اهل سنت نیز این نکته را مورد دقت و توجه داشته و آن را رعایت نموده‌اند. مواردی از این مخالفت‌ها چنین است: عبارتی از ابوحنیفه که وی در آن بین «من دون الله» و «غیر الله» تفاوت گذاشته، بعد از این که تعریف دقیقی از عبادت ارائه می‌کند، به صورت التزامی به این نکته اشاره دارد که در مورد توحید طاعت، باید بین «غیر

۱. سوره انفال، آیه ۶۲.

الله» با «من دون الله» تفاوت گذاشت. ابوحنیفه می‌گوید: «من أطاع أحدا رجاء ثوابه أو مخافة عقابه من دون الله فقد عبده ولو كان العمل بالطاعة وجدها في كل شيء عبادة لكان كل من أطاع غير الله فقد عبده؛ کسی که به امید ثواب یا ترس از عقاب، دیگری را به جای الله اطاعت کند، حتماً او را عبادت کرده است، اگر صرف اطاعت، عبادت باشد، هرکس غیرالله را اطاعت کند، باید بگوییم او را عبادت کرده است.»<sup>۱</sup>

دقت ابوحنیفه بر تعبیر «من دون الله» متمرکز است. او عقیده دارد با توجه به معنای «من دون الله»، اطاعتی، عبادت غیر خدا محسوب می‌شود که در امتداد و مسیر اطاعت الله نباشد. بنابراین، اطاعت از غیر، نه تنها شرک نیست؛ بلکه با توحید منافاتی ندارد. به عبارتی «من دون الله» نزد ابوحنیفه به معنای غیر الله فهمیده نشده است و ترجمه «من دون الله» براساس معنای غیر الله در آیه: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا تَزُنَّ عَلَيَّ عَبْدَاتُ فَإْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾<sup>۲</sup> اساساً معنای آیه را نیز بر هم می‌زند. این اشتباه معنایی باعث شده برخی مفسران در تلاش برای رفع آن، به ابداعاتی دست بزنند.

زمخشری و ابوحنیان، در ترجمه همین آیه معتقدند که هرگاه «من دون الله» به «شهداء» متعلق باشد، به معنای «بین یدی الله» است؛ یعنی شاهدان مقابل خداوند «شاهدانتان را در برابر خدا بخوانید».<sup>۳</sup> عبور کردن از معنای لفظی و ابداع معنای جدید، البته ناشی از عدم انطباق «من دون الله» به معنای «غیر الله» در مجموع آیه است. اگر کسی اشکال کند که این تفسیر همان طور که «غیر الله» را نفی می‌کند، معانی مورد ادعای این نوشتار، مانند «به جای خدا»، «جز خدا» یا «در مقابل خدا» را نیز نفی نمی‌کند و تأییدی بر ادعای مقاله نیست که در جواب باید گفت: تصریح وی بر معنایی غیر از معنای «غیر الله»، دلیلی بر عدم انحصار معنایی این کلمه در غیر است.

۱. ابوحنیفه، نعمان، رسالة العالم والمتعلم، ص ۲۸.

۲. سورة بقره، آیه ۲۳.

۳. ابوحنیان اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، ج ۱، ص ۱۲۳؛ زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر الکشاف، ج ۱، ص ۳۵۵.

بخشی از ادعای مقاله این است که «من دون الله» لزوماً «غیر الله» معنا نمی‌دهد و ممکن است معانی دیگری نیز داشته باشد، پس حداقل بخشی از ادعا که کمک به فرضیه مقاله است، ثابت می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت که معنی «من دون الله» با آن معنای مدّ نظر وهابیت لزوماً یکسان نیست. در آثار ابن تیمیه در مواردی به موضوع توحید و شرک پرداخته شده، طبیعی است که عنوان «من دون الله» نیز در این مباحث مورد دقت باشد و ابن تیمیه از این نکته غافل نبوده است.

ابن تیمیه در مورد توحید عبادی از «غیر الله» استفاده کرده؛ ولی در توحیدهای دیگر (مثلاً توحید استعانت که با اذن الله می‌توان از غیر نیز کمک خواست) از «من دون الله» استفاده کرده است که نشان می‌دهد «من دون الله» غیر از «غیر الله» است. او می‌گوید: «فتعین أن الأمر كله عائذ إلى تحقيق التوحيد وأنه لا ينفع أحد ولا يضر إلا بإذن الله وأنه لا يجوز أن يعبد أحد غير الله ولا يستعان به من دون الله؛ پس ثابت شد که تمام امور از خداوند سرچشمه می‌گیرد و هیچ کس نفع و ضرری ندارد، مگر با اذن خداوند، پس نباید غیر خداوند پرستش و استعانت شود به جای خداوند»<sup>۱</sup>.

نکته بسیار مهم در این مسئله آن که ابن تیمیه در مورد توحید عبادی از کلمه «غیر الله» استفاده کرده، در مورد توحید استعانت، از تعبیر «من دون الله» بهره برده است؛ یعنی انسان می‌تواند با اذن الهی، از افرادی که آن‌ها را در جای رب قرار نمی‌دهد، درخواست کمک کند و این تفاوتی است که ابن تیمیه بین «من دون الله» و «غیر الله» قرار داده است؛ موضوعی که نمی‌تواند اتفاقی باشد. او می‌داند که در موضوع استعانت، استفاده از «غیر الله» ناصواب بوده، بهتر است از «من دون الله» با همان معیار مدّ نظر استفاده کرد.

به عبارت بهتر، صدر این عبارت نشان می‌دهد که او قبول دارد غیر از الله افرادی هستند که نفع و ضرر دارند؛ اما همگی باذن الله است، پس در جایی که تصور غیر ممکن و به تبیین معیار نیاز است، از معیار قرآنی «من دون الله» استفاده می‌کند و در جایی که

۱. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۱، ص ۱۱۹.

عبادت است و هیچ‌گیری معنا ندارد، از لفظ «غیر الله» استفاده کرده است. این در حالی است که ابن عبدالوهاب در برخی موارد به صورت التزامی از لفظ «من دون الله» معنای «غیر الله» را فهمیده است. به عنوان مثال، وی در تعریف شرک می‌گوید: «وَالشَّرْكَ أَنْ يَجْعَلَ لِلَّهِ نَدًّا يُدْعَوُ بِهِ وَيُرْجَوُ أَوْ يَخَافُهُ أَوْ يَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ أَوْ يَرْغَبُ إِلَيْهِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنْ أَنْوَاعِ الْعِبَادَاتِ. فَإِنَّ الْعِبَادَةَ اسْمٌ جَامِعٌ لِكُلِّ مَا يَحِبُّهُ اللَّهُ وَ يَرْضَاهُ مِنَ الْأَقْوَالِ وَالْأَعْمَالِ الْبَاطِنَةِ وَالظَّاهِرَةِ.»<sup>۱</sup> معیار ابن عبدالوهاب در تعریف شرک، دقیقاً در تمامی موارد (عبادی و غیرعبادی) عبارت است از «من دون الله» بودن و از آنجا که آن‌ها را عبادت دانسته و در عبادت قطعاً نظر مسلمانان نفی غیر الله مطلقاً می‌باشد، می‌توان فهمید که وی از «من دون الله»، «غیر الله» را اراده کرده است. به عبارتی، وی بین تمام اقسام توحید یکسان‌انگاری کرده، انواع توحید اطاعت، توحید محبت، توحید ولایت و... را با توحید عبادت یکسان دانسته است. در حالی که می‌دانیم عبادت مطلقاً برای غیر الله ثابت نیست؛ اما اطاعت، محبت یا ولایت با اذن الله، برای غیر الله ثابت است. این خلط مهم باعث شده وهابیت «من دون الله» را با «غیر الله» یکسان دانسته و در تمام موارد به یک صورت ترجمه کنند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این نوشتار معلوم شد که «غیر» با «دون» تطابق معنایی ندارند، بنابراین تعبیر «من دون الله» با «غیر الله» دو مفهوم متفاوت هستند. در غیر این صورت، دچار نقض‌های بسیاری می‌شویم که برای حل آن لازم است «من دون الله» را با مواردی مانند «به‌جای الله» و «در برابر الله» تغییر دهیم؛ زیرا قرآن گاهی امری را از طرف خود الله و رب می‌داند و از آن به «من عند الله» تعبیر می‌کند و گاهی در مقابل می‌داند که از تعبیر «من دون الله» استفاده می‌نماید؛ یعنی هم غیر الله است و هم از جانب الله مأذون نیست. مثلاً اطاعت از طاغوت که هم غیر الله است و هم مأذون از طرف الله نیست و در مقابل،

۱. عبدالوهاب، محمد، تعلیم الصبیان التوحید، ص ۲.

اولیای الهی که علی‌رغم غیرالله بودن، اطاعت و ولایت‌شان مأذون من الله است. باید دقت داشت که این تفاوت معنایی در مورد اطاعت، استعانت، استشفاع و توسل که دارای جنبه عبادی و غیرعبادی هستند، خوب فهمیده می‌شود. مثلاً در اطاعت، ما فقط باید از الله اطاعت کنیم؛ اما اطاعت از غیر الله -مانند اطاعت از رسول الله ﷺ- شرک نیست؛ چون «من دون الله» نیست. از این‌رو، صحابه در اطاعت از رسول الله ﷺ سبقت می‌گرفتند؛ اما خلط آن با عبادت اشتباه است؛ چون عبادت فقط و فقط برای الله است و در غیر الله، شرک محسوب می‌شود، پس «من دون الله» را در مورد توحید عبادی می‌توان به «غیر الله» ترجمه کرد؛ زیرا در عبادت خداوند، هیچ نوع استثنایی وجود ندارد؛ اما استفاده غیر الله در این موارد نباید به انواع دیگر توحید، مانند توحید اطاعت یا محبت تسری پیدا کند.

## منابع

١. **قرآن كريم.**
٢. ابن تيمية، احمد، **درء تعارض العقل والنقل**، رياض: دانسگاه محمد بن سعود، ١٤١١ق.
٣. \_\_\_\_\_ **الرد على الأحنائي قاضي المالكية**، بيروت: انتشارات العصرية، ١٤٢٣ق.
٤. \_\_\_\_\_ **مجموع الفتاوى**، مدينه: نشر ملك فهد للطباعة، ١٤١٦ق.
٥. ابن منظور، محمد بن مكرم، **لسان العرب**، قاهره: دارالحديث، ٢٠٠٨م.
٦. ابن هشام انصارى، جمال الدين، **مغنى اللبيب عن كتب الاعاريب**، بيروت: نشر الطباعة العلمية، ١٩٩٩م.
٧. ابوحنيفه، نعمان، **رسالة العالم و المتعلم**، قاهره: مكتبة الخانجي، بي.تا.
٨. ابوحيان اندلسى، محمد بن يوسف، **البحر المحيط فى التفسير**، بيروت: دارالفكر، ١٤٢٠ق.
٩. ازهرى، محمد بن احمد، **تهذيب اللغة**، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ٢٠١٤م.
١٠. آل الشيخ، صالح، **العقيدة**، مدينه: جامعة محمد بن سعود، ١٤١٢ق.
١١. بن عثيمين، محمد بن صالح، **مجموع فتاوى و رسائل**، عربستان، دار الوطن، ١٤١٣ق.
١٢. \_\_\_\_\_ **فتاوى أركان الإسلام**، رياض: دار الثريا للنشر و التوزيع، ١٤٢٤ق.
١٣. \_\_\_\_\_ **شرح ثلاثة الأصول**، رياض: دارالثريا للنشر و التوزيع، ١٤١٤ق.
١٤. \_\_\_\_\_ **اصول الايمان**، رياض: وزارت اوقاف سعودى، ١٤٢٠م.
١٥. بن عبدالوهاب، سليمان، **التوضيح عن توحيد الخلاق في جواب أهل العراق وتذكرة أولي الألباب في طريقة الشيخ محمد بن عبدالوهاب**، رياض: دار طيبة، ١٤٠٤ق.
١٦. بن عبدالوهاب، عبدالرحمن، **التوحيد و قره عيون الموحدين في تحقيق دعوة الأنبياء و المرسلين**، سوريه: مكتبة دارالبيان، ١٤١١ق.
١٧. بن باز، عبدالعزيز، **بايگاه رسمى اطلاع رسانى بن باز**: <https://binbaz.org.sa/>.
١٨. جوهرى، اسماعيل بن حماد، **صحاح تاج اللغة**، قاهره: دارالحديث، ٢٠١١م.
١٩. خرمشاهى، بهاء الدين، **ترجمة قرآن**، تهران: انتشارات نيلوفر و جامى، ١٣٧٤ش.
٢٠. الدقر، عبدالعلى بن على، **معجم القواعد العربية**، بيروت: دارالقلم، ٢٠١١م.
٢١. رهنما، رضا و پارچه باب، محمد، «بررسى معنای عبارت «من دون الله» و نقد ترجمه هاى فارسى معاصر قرآن كريم»، دوفصل نامه علمى-پژوهشى **مطالعات ترجمه قرآن و حديث**، دوره ٥، ش ١٠، پاييز و زمستان ١٣٩٦ش، صص ٨٧-١١٠.
٢٢. زجاجى، ابوالقاسم، **الجمال فى النحو**، بيروت: الرسالة، ١٤١١ق.
٢٣. زمخشرى، محمود بن عمر، **تفسير الكشاف**، تهران: نشر ققنوس، ١٣٩١ش.

٢٤. سرامرائی، فاضل صالح، **معانی النحو**، اردن: دارالفکر للطباعة و النشر، بی تا.
٢٥. سعدی، عبدالرحمن، **تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان**، بیروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٢٠ق.
٢٦. \_\_\_\_\_، **القول السدید شرح کتاب التوحید**، ریاض: وزارت اوقاف سعودی، ١٤٢١ق.
٢٧. سیبویه، ابوبشر عمرو، **الکتاب**، قاهره: مكتبة الخانجي، ١٤٠٠ق.
٢٨. عبدالوهاب، محمد، **تعلیم الصبیان التوحید**، ریاض: دارالهدی، ١٤٢٧ق.
٢٩. \_\_\_\_\_، **کتاب الرسالة المفیدة**، ریاض: منشورات المكتبة الاملة، بی تا.
٣٠. فولادوند، مهدی، **ترجمه قرآن**، تهران: نشر کنگره، ١٣٨٥ش.
٣١. قوجوی، محمد بن مصطفی، **شرح قواعد الإعراب لابن هشام**، بیروت: دار الفکر، ١٤١٦ق.
٣٢. گرامرودی، محمد اسد، «نقد تفسیر وهابیان در تفسیر آیات «من دون الله»»، فصل نامه علمی - پژوهشی **مطالعات تفسیری**، سال هفتم، ش ٢٥، صص ٢٥-٤٠، ١٣٩٥ش.
٣٣. مجلسی، محمداقر، **حق الیقین**، قم: انتشارات اسلامیة، بی تا.